

ماجرای عشق و عاشقی میدون

نصفه داندلودشدی اخوی



یوریا عالمی

● دبیری را می‌بینی؟ این‌همه برو دنبال اینترنت پرسرعت و فیلترشکن خوب، آخرش هم وزارت ورزش و جوانان اعلام کرد: «برای هیچ سازمانی در حوزه همسریابی و همسرگزینی مجوز صادر نکرده است». همین است دیگر. می‌گویم چرا هرچی همسر از توی اینترنت می‌خواهم بیایم و بگزینم، نصفه داندلود می‌شود. نکو اینها مجوز ندارند. وسط کار می‌آیند جلویشان را می‌گیرند. راستش اگر بابای سوفیا این‌قدر گیر نمی‌داد، شاید کار به جاهای این‌قدر باریک نمی‌کشید که آدم نصفه‌شی‌ بود توی اینترنت سرچ کند همسریابی و همسرگزینی. حالا هم که وضعیت اقتصاد این‌طوری است، آدم چی‌کار کند؟ جوان که نمی‌تواند وقتی کار ندارد برو ز بگردد و بگوید باقیش درست می‌شود. جوان نهانیتا می‌تواند برو د اینترنت و سعی کند برای خودش سر حوصله همسر مناسب بگزیند. خود من رفتم توی همه این سایت‌های همسرگزینی پروفایل ساختم؛ با عکس واقعی. سن واقعی، شغل واقعی، در ضمن توی همه‌اش هم نوشتم که چون تمام‌وقت عاشق سوفیا هستم، متأسفانه به صورت پاره‌وقت می‌توانم در خدمت دوستان باشم. آخرش چی؟ می‌دانی چندان عکس را لایک کردم توی اینستا؟ چندان پوک کردم توی فیس‌بوک؟ چندان فیو کردم توی تویترا؟ آخرش چی؟ هیچی. هر کی فالو کرد، سریع فالو‌بک کردم تا این‌طوری بتوانم جای خالی تو را پر کنم سوفیا. یعنی همه اینها دروغ بود؟ یعنی هیچ‌کدام مجوز نداشت؟ پس آن دلبری که توی سایت همسریابی پیداش کردم و یک‌عالمه شارژ پنج هزار تومانی موبایل براش خریدم و او تا صبح خیلی بادقت و با دیتیل فراوان، مسائل همسرگزینی را برای من تشریح می‌کرد چی؟ آن دلبری که سعی می‌کرد مولانغ ازدواج را برای من برشمرد و خودش به‌عنوان یک مانع می‌گفت در آخرین لحظه می‌کشد کنار تا من به تو برسم. حالا یعنی چی؟ این‌همه سایت همسریابی اگر مجوز نداشته‌اند یعنی فردا می‌آیند ما هرچی داندلود کردیم، مجبورمان می‌کنند جاش آپلود کنیم؟ ای‌بابا... ای‌بابا... سوفیا... دوره، دوره عشق و عاشقی نیست. دوره فالو و فالو‌بک است. دوره همسریابی بدون‌مجوز است. همان قدیم خوب بود که خانواده آدم تـوی خزینه برای طرفین همسریابی می‌کردند. همه‌چی عینی و ملموس بود. نه مثل الان که همه‌چی غیرعینی و لایکی است. سوفیا... راستی یک پروفایل دیدم به اسم بابای سوفیا توی یکی از این سایت‌های همسریابی. یک آی دی فیک دارم به اسم ش- جردن -۲۰۶ آلبابیونی ۲۰۰۰ که برای روزهای مبدا ساخته بودمش. با همین آی دی برای بابای سوفیا درخواست فرستادم. می‌خواهم تلافی وزارت ورزش و باباهای همه سوفیاها و باباهای همه میدون‌ها و همه کسانی که اقتصاد ما را بیماری واگیردار کردند، دریابورم. حالا ببین.

اتفاق

شاید «کن لوچ» دوباره کارگر شود

پس از سال‌ها کن لوچ، کارگردان صاحب‌نام انگلیسی، در عرصه سیاست با حزب دلخواهش کارگر همراه شده است؛ نمونه‌اش ساخت فیلم تبلیغی برای جرمی کوربین - رهبر چپ‌گرای این حزب - است. او در گفت‌وگویی با نشریه تایم علاوه بر صحبت درباره آخرین ساخته‌اش «من، دنیل بلیک» برنده نخل طلای کن، درباره فعالیت‌ها و علایق سیاسی‌اش نیز سخن گفت. او پیش‌تر نیز به دیوید کامرون انتقاد کرده و گفته بود: «تصادفی نیست که فقرا به‌خاطر بی‌کاری‌شان تنبیه و مجازات می‌شوند. پروژه دولت همین است. «من، دنیل بلیک» درباره روند بوروکراتیکی است که یک نجار میان‌سال اهل نیوکاسل برای دریافت خدمات تأمین اجتماعی گرفتارش شده است. در گفت‌وگوی نشریه «تایم» کن لوچ از عقاید سیاسی‌اش می‌گوید؛ به نظر می‌رسد با رهبری «کوربین» بار دیگر بخواهد به حزب کارگر برگردد؛ من ۵۰ سال از این عقایدی که کوربین به دنبال اجرای آنهاست، حمایت کرده‌ام. او حتی به یکی از انتقادهای همیشگی علیه کوربین هم پاسخ می‌دهد. همواره به کوربین انتقاد شده که به گسترش جنبش و حرکت‌های اجتماعی بیشتر از پیروزی در انتخابات اهمیت می‌دهد. لوچ موافق است و می‌گوید: «گسترش جنبش مهم‌تر است، فقط قرار نیست یک ماشین انتخاباتی باشیم، مثل همان کارهایی که بلر و هم‌فکرانشان انجام می‌دادند. درحالی‌که برای طبقه کارگر، تلقیق فعالیت‌های مردمی با روند دموکراتیک از همه مهم‌تر است. در دهه ۶۰ مردم در گروه‌های کوچک کنار هم قرار داشتند و به هم صحبت می‌کردند اما اکنون هرچه سبب شود بیشتر مردم با آن درگیر شوند. اتفاق بهتری خواهد بود». کن لوچ که چندین‌پیش خبر بازنشستگی‌اش منتشر شده، فعلا این قصد را ندارد و معتقد است شغف ناشی از ساخت فیلم و نمایش آن برای مردم بسی می‌شود برخی از کارگردان همچنان پرفرتر در سینما حاضر باشند. وقتی از او درباره سنش و احساس پیری در ۸۰سالگی می‌پرسند، جوابش این است: «صبح‌ها که برمی‌خیزم، احساس می‌کنم ۸۵سالم است اما کمی که می‌گذرد و قهوه‌ای که می‌خورم ۷۹ساله می‌شوم. مردم حالا بیشتر از سن و سال زندگی می‌کنند؛ بازگذا رد همچنان به زندگی ادامه دهیم».

شترت روزنامه

www.sharghdaily.ir

دوشنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۵ ● ۱۵ محرم ۱۴۳۸ ● ۱۶ اکتبر ۲۰۱۶ ● سال چهاردهم ● شماره ۲۷۰۵ ● ۲۰ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۱:۵۰ ● اذان مغرب ۱۷:۴۴ ● اذان صبح فردا ۴:۵۰ ● طلوع آفتاب ۶:۱۴

روزنارضا

کارتون خواب

مهدی عزیزی



همین حوالی

دنبال خودمان می‌گردیم



گیتی مفرزاده

مهم‌تر به زندگی فردی و سلامت جسمی فرد نمی‌زنند. این پاسخی متین و معقول است اما نکته درخورتامل اینجااست که همگی این موارد (که گاه حذقشان ما را تا مرز کلافگی و به‌هم‌ریختگی می‌برد) به‌نوعی عادت به تکرار و وابستگی و به تبع آن نداشتن قدرت اختیار، متفاوت‌دیدن و باور به داشتن نیرو و هویت فردی را در ما ایجاد می‌کنند. آنچه یک فرد را در زمره معتادان به مواد مخدر قرار می‌دهد، انتخاب او برای معتادشدن نیست بلکه نبود اراده و سستی در خونگرفتن به مصرف مواد مخدر است. این خوگرفتن، پذیرش تکرار و احساس انفعال و ناتوانی، عادت‌ی است که از مدت‌ها قبل در وجود اکثریت ما نهاده‌ینه شده است. بسیاری از دانشمندان عقیده دارند بخش مهمی از ارتباطات عصبی درون مغز ما به واسطه تجربه و تکرارهای زندگی روزمره شکل می‌گیرند. یعنی وقتی نوع زندگی شما مغزتان را وادار به تکرار عملی می‌کند، بد نیست تأملی روی هم تغییراتی متناسب با این ماجرا ایجاد می‌کنند. با این حساب وقتی شکل زندگی فردی هریک از ما، سرسپردن به فضایی می‌شود که در آن بدون تفکر و متفعلانه تکرارگر عادت‌ها و ملزومات کلی و همگانی می‌شویم، زمینه مساعدتری برای پذیرش اعتیاد به مواد مخدر داریم. در چنین فضایی بخش ناخودآگاه هریک از ما آماده پذیرفتن اعتیاد است؛ بهتر است بگوییم ما مغزمان را برای اعتیاد به هرچیزی عادت داده‌ایم. این اعتیاد می‌تواند تبعیت از یک مد جمعی باشد (که چه‌بسا ظاهر موهجی مثل فلان اندیشه عرفانی یا تفکر ایده‌آلیستی داشته باشد) یا پذیرفتن یک شیوه زندگی مثل خریدن فلان اسباب منزل که عنصر لازم زندگی ما نیست اما جای خالی‌اش را میان اسباب منزلمان نمی‌توانیم تصور کنیم. در این میان آن گروه از ما که به‌ظاهر موجه‌تریم، به اعتیاد به زندگی کلیشه‌ای و تکراری اطرافمان مشغولیم و گروهی که هنجارشکن و بیمار به نظر می‌آیند، اعتیاد به مواد مخدر را اما ریشه‌ای اشتغال‌زایی است. گروه اول گروه به ظاهر آسین به جسم و جان و جامعه اطراف خود نمی‌زند اما در درآمدت علاوه بر فراموش‌کردن هویت و معنای زندگی فردی خود، جامعه را به سمت خمودگی و انفعال می‌برد.

بد نیست به این موضوع فکر کنیم که هرقدر فردیت انسانی ما به معنای داشتن قوه اختیار، نقد، خلاقیت و بازآفرینی زندگی کم‌رنگ باشد، زمینه‌های گسترش اعتیاد به مواد مخدر را در جامعه افزایش داده‌ایم. ما همگی معتادان شکل‌هایی از زندگی هستیم که به‌ندرت از خودمان درباره‌شان سؤال می‌کنیم. مجرم یا بیمار نامیدن بر عهده خودمان.

شهرهای کوچک و نام‌های بزرگ... ایسن یکی از رموزازهای فرهنگ ایران است که در پهنه جغرافیا و عرصه تاریخ، با آن روبه‌رویییم؛ شهرهایی که نه پایتخت بوده‌اند و نه مرکزیتی به معنای امروزی برای دادوستد و بینزیس و ترانزیت کالا. اما در خلوت خود تاریخ و جغرافیای ما در این نقاط، استعداد پرورش شخصیت‌های بزرگ را داشته است. در بسیاری از مناطق ایران عزیز ما با چنین حقیقتی روبه‌رویییم. یکی از این مناطق طبرستان قدیم و مازندران امروز است. آمل، بابل، نور، جرجان، بهشهر و... که نام‌هایی بزرگ از این شهرها سر برافراشته و به فرهنگ ایران



سهیل محمودی

شهرهای کوچک و نام‌های بزرگ... ایسن یکی از رموزازهای فرهنگ ایران است که در پهنه جغرافیا و عرصه تاریخ، با آن روبه‌رویییم؛ شهرهایی که نه پایتخت بوده‌اند و نه مرکزیتی به معنای امروزی برای دادوستد و بینزیس و ترانزیت کالا. اما در خلوت خود تاریخ و جغرافیای ما در این نقاط، استعداد پرورش شخصیت‌های بزرگ را داشته است. در بسیاری از مناطق ایران عزیز ما با چنین حقیقتی روبه‌رویییم. یکی از این مناطق طبرستان قدیم و مازندران امروز است. آمل، بابل، نور، جرجان، بهشهر و... که نام‌هایی بزرگ از این شهرها سر برافراشته و به فرهنگ ایران

گفتار

کارآفرینی مهم‌است نه مراکز همسریابی!

شهین عولیای زند . استاد دانشگاه

با انتشار خبر تعطیلی مراکز همسریابی، این پرسش در نزد عموم مردم مطرح شده که بالاخره اقدام دولت در راه‌اندازی این مراکز به عنوان قدمی در راه افزایش نرخ رشد ازدواج مثبت بوده یا منفی و درهرصورت چرا چنین مراکزی هر از چند گاهی گشوده و پس از مدتی تعطیل می‌شوند.

برای پاسخ به این سؤال، بهتر است از دریچه‌های کلی، رفتار دولت‌ها را در حیاط خلوت زندگی شخصی شهروندان بررسی کنیم. واقعیت این است که ما در ایران، بسیاری از رفتارهایمان وابسته به دولت‌ها است و به‌نوعی دولتی شده؛ این در حالی است که در بسیاری از کشورهای پیشرفته‌تر جهان که من از نزدیک آنها را در طول سال‌ها تجربه کرده و می‌شناسم، برخلاف باور عمومی اکثریت قاطع مردم، تمایل به ازدواج دارند بی‌آنکه سازوکاری دولتی در این زمینه وارد شده و قصد سیاست‌گذاری داشته باشد. این تفاوت فاحش از آنجا ناشی می‌شود که شاید ما می‌خواهیم همه چیز را به‌ویژه در حیطه زندگی شخصی شهروندان، به صورت دستوری پیش ببریم. چنین نگرشی به ازدواج، پیامدهای ناگوار زیادی دارد اما ساده‌ترین پیامد آن این است که در صورت بروز هرگونه مشکل در زندگی زناشویی، مسئولیت باز هم متوجه دولت‌ها خواهد بود. اگر مردم ما یاد بگیرند مسئولیت تصمیم‌گیری‌های زندگی بر دوش خودشان باشد، آن موقع دولت‌ها هم می‌آموزند اولاً کمتر به حوزه خصوصی افراد وارد شوند و در ثانی برای حل مشکل ازدواج به ریشه‌های این بحران بپردازند، نه اینکه به روش‌هایی مانند تأسیس مراکز همسریابی تن دهند.

اظهارنظر درباره کیفیت تأثیرگذاری مراکز همسریابی در سال‌هایی که از ایجاد آنها گذشته، مطلوب من نیست، چراکه به لحاظ احساسی، با این طرح قربانی احساس نکرده و نمی‌کنم اما اگر قرار باشد چنین ارزیابی‌ای به صورت عملی صورت گیرد، باید این نکته را در نظر داشت که برای بررسی ازدواج موفق، معیار لااقل پنج سال ازدواج ماندگار، مستمر از ضرورت‌های پژوهشی است. به عبارت دیگر، فقط ازدواج‌کردن آنها ملاک ارزیابی موفقیت این مراکز نیست، بلکه ماندگاری آنها در ازدواج ملاک است. به بیان دیگر، همان‌طور که ترک‌کردن ۹۵ درصد از معتادان یک کمپ نمی‌تواند نشان از موفقیت آن مرکز ترک اعتیاد باشد، بلکه حصول موفقیت این کمپ‌ها زمانی به وقوع می‌پیوندد که استمرار در ترک معتادان باشد، درباره ازدواج نیز شرط استمرار حداقل پنج‌ساله یک میزان علمی و بررسی‌شده در دنیاست. بنابراین اگر کسی بخواهد علمی و کارشناسانه به بررسی موفقیت یا شکست طرح مراکز همسریابی بپردازد، باید از این دریچه، سرنوشت زوج‌هایی را که در این مراکز آشنا و مزدوج شده‌اند، مطالعه کند.

اینها همه در حالی است که به اعتقاد من، روش‌های مطلوب‌تری برای ازدواج جوانان وجود دارد که می‌تواند نقش دولت‌ها را از حوزه خصوصی افراد به بستر اجتماع بکشد. در میان این روش‌ها، پیشنهاد من به عنوان یک روانشناس و استاد دانشگاه، همان پیشنهاد قدیمی اما ریشه‌ای اشتغال‌زایی است. نایدیده‌های اهمیت اشتغال در جامعه باعث شده شرایط نامطلوب بی‌کاری به یک عادت و سبک زندگی در میان جوانان بدل شود و قطعاً جوانی که با این روش زندگی کرده و بزرگ می‌شود، چندان تمایلی برای ازدواج نخواهد داشت. در جامعه ما نه فقط همت توسعه‌ی و زمینه کارآفرینی نشده، بلکه به فرهنگ تقدس کار نیز کمترین بهایی داده نشده است، راستش را بخواهید در جامعه ما از زیر‌کار دررفتن علا تشویق شده است. حل این معضل، قطعاً می‌تواند جامعه را در بالاترین نرخ ازدواج‌های موفق یاری کند.

تولدی دیگر

حرمت شهر با آوازه‌هنرمند

چه در خارج از مرزها. کاری که ساده نبوده و به تلاشی مستمر نیاز داشته و همتی بلند می‌خواسته است. بنیاد علمی حریری در شهر بابل، به پاس دهه‌ها تلاش این هنرمند استاد در عرصه هنر ملی ایران، در هفته خوشنویسی، اقدام به برگزاری آیین تجلیل از اسرافیل شیرچی، خوشنویس ابداع‌گر و مبتکر، است که از شهر بابل سربرآورده. این هنرمند توانسته با حفظ سنت شکسته‌نستعلیق، نقاشی و رنگ و جلوه‌های هنر امروز را با هم درآمیزد و در تابلوهایش به جلوه درآورد. شیرچی، پیچیدگی‌های شکسته‌نستعلیق را با هنرمندانگی به موزه‌ها و گالری‌ها و بعضاً خانه‌های دوستداران هنر ایرانی برده است؛ چه در داخل ایران و

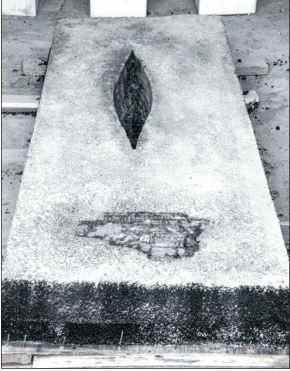
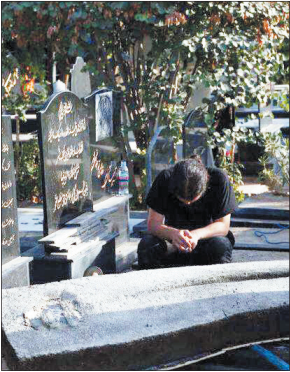
گزارش فردا

روایتی از تخریب سنگ قبر «سپانلو»

سعید برآبادی

باران از بین برود، انکار که جزئی از محیط پیرامون خودش باشد اما انتظار نداشتیم به این زودی به جانش بیفتند و خرابش کنند.» هر وقت خبر تخریب سنگ قبری به میان می‌آید، این سؤال مطرح می‌شود که چه کسانی و با چه انگیزه‌هایی دست به چنین عمل غیرانسانی‌ای می‌زنند. اگرچه نظر اخوت این است که تخریب این سنگ قبرها به خاطر مشکلی است که بعضی‌ها با شخصیت متوفی دارند اما شبنم سپانلو، دختر محمدعلی سپانلو، نظر دیگری دارد: «ابتدا قرار بود ایشان در امامزاده طاهر کرج و در کنار شاعران و نویسندگانی مانند شاملو و مختاری دفن شوند، اما مسئولان موافقت نکردند و چنین بود که سرانجام شاعر تهران در قطعه نام‌آوران به خاک سپرده شد. باربد گلشیری هم با تکیه بر مهم‌ترین درون‌مایه‌های مجموعه «قایق‌سواری در تهران» سنگ قبری به شکل یک اثر هنری برای او طراحی کرد که حالا افرادی ناشناس آن را تخریب کرده‌اند».

در توصیف سنگ مزار تخریب‌شده، همین بس که متراپل آن از آسفالت بود تا نشانه‌ای باشد از دلستگی محمدعلی سپانلو به تهران و درون این آسفالت، قایقی خودنمایی می‌کرد و چند کلامی از شعر او و حالا همه اینها زیر سیمان فرو رفته است. با این حساب باید پرسید دیگر از محمدعلی سپانلو جز حوزه‌های شعر و ترجمه‌هایش چه باقی مانده است؟ او در تهران هنوز خانه‌ای به یادگار دارد که نشانه‌های او را برای نسل‌های بعد حفظ کرده است. مهدی اخوت نگاهدار این خانه است؛ خانه‌ای که اگرچه بعد ثبت در فهرست میراث فرهنگی کشور هم رسیده اما بعید نبود در صورت نبود چنین دقتی در نگهداری، سرنوشتی پیدا کند مشابه خانه سیمین و جلال یا خانه دیگر ادیبی که امروز حتی یک‌سوم از این خانه را به اخوت بخشیده است و او حالا به‌نوعی مالک این خانه هم محسوب می‌شود و همین موضوع کمک می‌کند صدای شاعر قایق‌سوار تهران هنوز در این شهر شنیده شود؛ حتی اگر سنگ قبرش را در بهشت زهرا، سیمانی کنند.



● کانون کودکان و نوجوانان باغ نگارستان قرار است عصر خاطره‌ها را در باره توران می‌رهادی با حضور شاگردان و دوستداران وی برگزار شود. این برنامه شنبه اول آبان ساعت ۱۶:۳۰ آغاز می‌شود. این برنامه در بهارستان- خیابان دانشسرا- دانشگاه تهران- باغ نگارستان برگزار می‌شود.

● چگونه یک پروژه عام‌المنفعه را طراحی کنیم؟ چگونه مدیریت کنیم؟ چگونه ریسک‌هایش را به حداقل برسانیم؟ مؤسسه مطالعاتی «حامیان فردا»، سلسله کارگاه‌های «مهارت‌افزایی سازمان‌های مردم‌نهاد» را (با تمرکز بر سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه ارتقای عدالت و کیفیت آموزشی کودکان) برگزار می‌کند. این سلسله کارگاه‌ها، در پنج روز (پنجشنبه ۲۹ مهر، پنجشنبه

۱۳ آبان، پنجشنبه ۲۷ آبان، پنجشنبه چهار آذر و پنجشنبه ۲۴ آذر)، در دانشگاه امیرکبیر برگزار خواهد شد. مراسم افتتاحیه این سلسله کارگاه‌ها، پنجشنبه ۲۹ مهر از ساعت ۸:۳۰ تا ۱۲ در دانشگاه امیرکبیر (سالن فجر) برگزار شده و براساس زمان‌بندی، در همان روز از ساعت ۱۳ تا ۱۷:۳۰، اولین کارگاه با عنوان «تفکر سیستمی و چگونه مدیریت کنیم؟» تشکیل می‌شود. شرکت در این سلسله کارگاه‌ها، برای گروه‌های مختلف مفید خواهد بود و گواهی‌نامه به شرکت‌کنندگان مجموعه کارگاه‌ها اعطا خواهد شد.

● معان امور حقوقی و بین‌الملل وزارت امور خارجه در صفحه اینستاگرام خود از مردم درخواست کرد برای دریافت کارت اهدای عضو اقدام کنند.

● «مهر و تابستان» مجموعه‌ای از ۱۲ کتاب است که به بررسی و تحلیل زندگی و آثار این شاعر بزرگ می‌پردازد. این مجموعه به ۱۲ جلد تقسیم شده و به ۱۲ نویسنده اختصاص دارد. این مجموعه به ۱۲ نویسنده اختصاص دارد. این مجموعه به ۱۲ نویسنده اختصاص دارد.